

گزارش میدانی شرق از بحران آب در سیستان و بلوچستان و مشکلات موجود برای حقابه ایران که زندگی و معیشت مردم را سخت کرده است

چشم خشک «سیستو»*

مریم شکرانی: «حمله شده ... به روستای ساسولی حمله شده...» فریاد و همههم در روزه شن باد می پیچید و صدای تیر قطع نمی شد. سورجان از لای نی های بلند پرده حصیری، سایه های شستانان زیر شیخ آفتاب را به یاد می آورد و پاچامک گشساد مردان که در باد تقلا می کرد و کش های کهنه خاک آلودی که هراسان می دویدند. مرغ و خروس ها وحشت زده، قیل و قال می کردند و پارس سگ ها یکسره شنیده می شد. سورجان از وحشت در جا میخکوب شده و نمی دانست ماجان ولالو را به بغل بگیرد و از خانه کاهکلی بی در و بیکرش فرار کند یا خانه پناه اوست و اگر به جاده های خاکی بزند، با کابوس موتورسواران طالب و پرچم های سیاه و سفیدشان مواجه می شود؟

ساسولی درست بیخ گوش مرز افغانستان است و حالا از تابستانی که کابل به دست طالبان سقوط کرد، حدود دو سالی می گذرد.

مرزنشینان ایران می گویند که بارها سایه های سیاه طالبان را از آن سوی نوار مرزی دیده اند.

اوایل خرداد بود و آن روز از ساعت ۱۰ صبح تا بعدازظهر صدای تیر و گیار می آمد. سه روز قبل از آن، موتورسواران طالب با دبه های زرد رژه رفته بودند. دبه های که می گفتند حقابه سیستان از رودخانه هیرمند را در آن ریخته اند؛ اما مرزنشینان ایران به خوبی می دانند که منظور طالبان چیست و نقش آن دبه های زردرنگ در حملات انتحاری چه بوده است؟

آتش که خاموش شد و گردوغبار که نشست، دوباره برجک نگهبانی لب مرز و خانه افغانستانی ها از ساسولی دیده شد. کمی آن طرفتر، موسی از تلویزیون یک نانواپی در دوست محمد، لباس های خون آلود محمد مهدی احمدی، مرزبان ۲۰ ساله را دیده بود که تنها سه روز دیگر سربازای تمام می شد و به خانه برمی گشت؛ خانه ای در روستای گلی بجنورد از توابع استانی در شمال سیستان وبلوچستان. او ورز شکار بود و آرزو داشت روی تشک المیک ستاره کشتی شود؛ اما طالبان مهلت نداد و با شلیک بی امان به هنگ مرزی زابل و روستای ساسولی، تمام آرزوهای سرباز را یکجا کشت.

اختلاف ۱۵۰ساله برسر آب

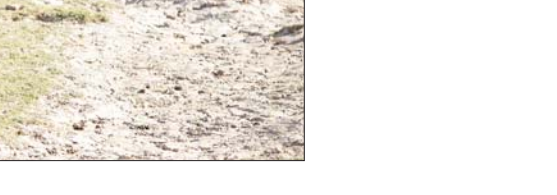
اختلاف بر سر آب است. مرزنشینان ایرانی می گویند افغانستان سه سال است که به طور کامل آب رودخانه را روی آنها بسته و آنها را به خاک سیاه نشاندۀ است. هیرمند همان رودخانه ای است که سیستانی ها آن را رگ زندگی می خوانند. رودخانه وحشی و پربآبی که از بلندی های کوه بابا و از رشته کوه های هندوکش در ۴۰ کیلومتری غرب کابل سرچشمه می گیرد و پس از مسافتی نزدیک به هزارو ۵۰ کیلومتر وارد دریاچه هامون و خاک ایران می شود.

اختلاف ایران و افغانستان بر سر آب مربوط به یک یا دو سال گذشته نیست و تاریخ ۱۵۰ساله دارد. از همان زمان که بریتانیا تکران هند بود و افغانستان را به چشم دیوار حائلی برای حفاظت از مستعمراتش می دید.

افغانستان، آن چنان برای بریتانیا مهم بود که ادعای ایران بر مالکیت هرات، آن را برآشت و با کشتی های جنگی وارد خلیج فارس شد و شهرهایی از جنوب ایران را به تصرف درآورد تا ایرانیان را زیر فشار قرار دهد و هرات را ضمیمه افغانستان کند.

در آن شرایط داور دعوای آب، بریتانیا بود. بنا به حکم بریتانیا، یکی از شاخه های اصلی رود هیرمند به عنوان مرز بین ایران و افغانستان تعیین شد؛ اما این پایان اختلافات نبود و طغیان رودخانه و تغییر مسیر آب هر بار دعوای تازه ای را رقم می زد. نتیجه این دعواها کمتر به نفع ایران نبود و داور هر بار حقابه کم و کمتری برای بخش غربی رودخانه هیرمند در نظر می گرفت.

در آن سال ها بریتانیا به افغانستان اجازه داده بود که با انحراف مسیر رودخانه و ساختن کانال های متعدد، حجم بیشتری از آب هیرمند را به خاک افغانستان بکشد. هرچند بهانه ساخت بندها و مسیره ای انحرافی، مهار سیل های ویرانگر در افغانستان بود؛ اما این تمام واقعیت نبود و در سال ۱۲۷۵ خورشیدی وقتی که طغیان رودخانه



موجب انحراف مسیر آن به سمت ایران شد، افغانستانی ها به مزارع ایران حمله کردند و سد سیستان را شکستند و آب را به سمت خاک خود کشاندند.

جدال نابرابر بین بالادست و پایین دست رودخانه، بارها باعث خشکسالی در سیستان ایران شد و دو مهاجرت بزرگ را پدید آورد. بار اول تابستان ۱۲۰ سال پیش و بعد از حمله افغانستانی ها به مزارع ایران بود که شمار زیادی از مردم سیستان به افغانستان مهاجرت کردند و بار دوم مهاجرت گسترده سیستانی ها به مناطق شمالی ایران یعنی گرگان رخ داد. مهاجرتی بزرگ در دهه ۴۰ خورشیدی، بعد از آنکه آمریکایی ها به ولایت هلمند افغانستان آمدند و مشغول ساخت سد کجکی روی رودخانه هیرمند شدند.

نزدیک به ۷۰ سال پیش یک پیمانکار آمریکایی سدی بزرگ روی رودخانه هیرمند بست که می توانست به اندازه یک سوم گنجایش دریاچه هامون، آب را پشت دیواره اش مسدود کند.

آن سال ها دو ابرقدرت آمریکا و شوروی در جنگ سرد به سر می بردند و هنوز دو متر آخراج سد کجکی و دریچه تخلیه اضطراری ساخته نشده بود که شوروی به افغانستان حمله کرد و پیمانکاران آمریکایی محل کار را ترک کردند.

ساخت سدی چنان بزرگ، ایران را بر آن داشت که معاهده ای با افغانستان امضا کند. بر مبنای این معاهده که در آخرین روزهای زمستان نیم قرن پیش بین ایران و افغانستان امضا شد، افغانستان باید سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب آب هیرمند را تحویل ایران می داد؛ اما حتی این قرارداد هم مشکل را حل نکرد و کشاورزان تکران کم کم شروع به کندن چاه کردند.

درپهشت کوچک سیستان

هیرمند خوششان که یکی از پربآترین رودهای آسیاست، سرکش تر از آن بود که با سد کجکی و دهه ها مسیر انحرافی رام شود. هیرمند برخلاف خواسته حاکمان افغانستانی طغیان می کرد و سرریز آب به سمت ایران می آمد.

سرریز آب آن قدر بود که از سیستان یک پهشت کوچک بسازد.

تقویم کاری بومی های سیستان از نیمه تابستان شروع می شد و هزاران زن و مرد پیش از طلوع آفتاب به مزارع می رفتند و زمین ها را شخم می زدند و علف های هرز را که خراشت و گیاهان شوربین بود، از مزارع جمع می کردند.

بعضی در مزارع عدس می کاشتند و بعضی دیگر جو و شلغم. شلغم تا اوایل زمستان به بازار می آمد و ساقه و برگ های حبوبات و شلغم به عنوان علوفه دام انبار می شد.

بعد از برداشت محصول زمستانه و روزهای نزدیک بهار، کشاورزان دوباره به مزارع می آمدند و زمین ها را شخم می زدند و این بار هندوانه و خربزه کاشته می شد.

آخرین روزهای اولین ماه بهار یعنی فروردین، خربزه های ترد و کال به بازار های محلی می آمد. خربزه های کال طعمی شبیه خیار داشت و بومی ها به آن «پشمک» می گفتند. در اواخر بهار و اوایل تابستان پشته های بلند هندوانه و خربزه های چیده شده در مزارع سبز سیستان به چشم می آمد.

در پاییز گندم کشت می شد و نزدیک بهار زمانی که ایرانیان خود را برای نوروز و جشن سال نو آماده می کردند، کشاورزان با داس ها به مزرعه می رفتند و خرمن خرمن گندم

فروش گروه بهمن

کشنده امپاور و کامیون فورس در بورس کالا عرضه می شود

کشنده امپاور BD ۵۰۰ و فورس شش تن روز یکشنبه ۲۸ خرداد با قیمت پایه چهارمیلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان و یکمیلیارد و ۴۳۷ میلیون تومان در بورس کالا عرضه می شود.

خریداران برای انجام این معاملات باید کد بورسی داشته باشند. دریافت کد بورسی از طریق ثبت نام در سامانه سجام و انجام مراحل قانونی این فرایند امکان پذیر است. بنابراین توصیه می شود خریداران زمانی را برای این امور اختصاص دهند. در این معاملات اشخاص حقیقی و حقوقی مجاز به خرید و اعلام قیمت هستند.



عرضه کاراک تاکابین ودوکابین در بورس کالا

بهمن موتور وانت کارا را در ۲۳ خرداد به فروش می رساند. بر اساس تصمیم اخیر این شرکت، وانت کارا تک کابین ۲۰۰cc و وانت دوکابین ۲۰۰cc با روش بورس کالا فروخته می شود. در این نوبت از فروش، قیمت پایه وانت کارا تک کابین ۴۰۷ میلیون تومان و قیمت پایه وانت کارا دوکابین ۴۲۴میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اعلام شده و میزان پیش پرداخت نیز ۵۰ درصد قیمت پایه است.

خریداران برای انجام این معامله باید کد بورسی داشته باشند که دریافت کد بورسی منوط به انجام مراحل قانونی آن در سامانه سجام و کارگزاری های مجاز است.

وانت کارا با فرمان هیدرولیک مجهز به پیشرانۀ دولپتری با سطح آلایندگی

پیرو ۵ امکان تحمل وزن باری معادل هزار کیلوگرم را فراهم می کند. این وانت

هزینه های تولید ۴۰ الی ۵۰ درصد بیشتر شد

صنعت لوازم خانگی در تنگنای قیمت گذاری دستوری

شده بسیاری از تولیدکنندگان لوازم خانگی با زیا ن به کار خود ادامه دهند. ورشکستگی اما در حالی فعالان لوازم خانگی را تهدید می کند که طبق گفته های فاضلی نیا صنعت لوازم خانگی بین ۶۰ تا ۹۰ هزار اشتغال مستقیم و ۶۰۰ تا ۹۰۰ هزار اشتغال غیرمستقیم ایجاد کرده است.

دبیر اتحادیه تولیدکنندگان لوازم خانگی با اشاره به این نکته که اشتغال زایی یکی از اولویت های اصلی دولت است، ادامه داد: ایجاد هر شغل برای دولت هزینه سنگینی دارد و عملا در شرایط فعلی برای دولت ممکن نیست.

ابتدا خارجی ها رفتند، بعد واردات ممنوع شد

آبان سال ۱۳۹۷ بود که رضا رحمانی، وزیر صنعت، معدن و تجارت وقت اعلام کرد «کالای که امکان تولید داخل دارد نباید اجازه واردات پیدا کند». بر اساس این خبر، واردات لوازم خانگی ممنوع شد. اما فاضلی نیا یک کام عقب تر رفته و می گوید که بعد از تشدید تحریم ها علیه ایران بود که تولیدکنندگان خارجی لوازم خانگی ایران را ترک کردند. درواقع بعد از خروج آنها بود که وزارت صمت تصمیم به ممنوعیت واردات گرفت؛ چراکه در شرایطی که نمایندگی ها و شرکت های خدمات پس از

بچه های ماهیگیران چلنگ، نام جنگل های گز را جنگل جادویی گذاشته بودند. وزیدن بادهای موسمی که تمام می شد، ماهیگیران به آب می زدند؛ دمادم پاییز که برگ های درختان رو به زردی می رفت، صیادان تورها را به آب می انداختند. که گذار ماهی های درشت ۲۰ یا ۲۵ کیلوپی به دام می افتاد و هلهله ماهیگیران به هوا می رفت و ظهر همان روز زنان از ماهی های صیدشده، ماهی دوفی می پختند و بشقاب، بشقاب سهم همسایه ها را می دادند.

در دنیای اهالی چلنگ تنها جنگل گز، جادویی نبود و کوه جادویی بودند. بالای کوه ویرانه های قلعه ای هزارو ۵۰۰ساله جا خوش کرده است. بیورها یا همان پدربزرگ های سیستانی از قلعه چهل دختر افسانه ها می گویند؛ از چهل دختری که صدای خنده مستانه شان در کوه می پیچید.

زندگی و قصه های سیستان بیشتر از اینها به طبیعت گره خورده است. حسن شهدادی، معلم جوان زابلی، می گوید وقتی سر کلاس ریاضی می خواهد از ذوزنقه متساوی الساقین مثال بزند، کوه رستم را به خاطر بچه های سیستانی می آورد.

سیستانی ها می گویند هیرمند «برکت» است و رهاوردش زندگی روستایی مرفهی برای اهالی بود.

آب در مقابل نفت

حالا تمام این زیبایی ها دود شده و به هوا رفته است. چهار سال پیش در سال ۲۰۱۹ العربیه به نقل از شرکت ملی برق افغانستان (برشنا) نوشت افغانستان با کمک مالی آمریکا و پیمانکاری ترکیه، کار نیمه تمام سد کجکی را تمام کرده است. سدی با گنجایش ۱.۷ میلیارد مترمکعب آب و ارتفاعی نزدیک به صد متر که می تواند ۱۵۰ مگاوات برق تولید کند.

بر اساس این گزارش، تکمیل سد کجکی ۲۰۰ میلیون دلار هزینه داشته است. با تکمیل سد کجکی، سرریز آب به سمت ایران کمتر شد. آن قدر کمتر که کشاورزی در سیستان فصلی شده بود؛ دیگر فقط با شروع بهار و ذوب شدن برف کوه های هندوکش، کمی آب از هیرمند طغیانگر به ایران می آمد و در بقیه فصول سال، سیستان خشک و مرده بود. اما ماجرا به همین جا ختم نشد و افغانستان همین روزنه امید کشاورزان سیستانی را هم کور کرد و در مسیر طغیان هیرمند، سد کوچک تری به نام کمال خان بسته و رگ حیات دریاچه هامون را کاملا خشک کرد.

در سال ۱۹۷۴ میلادی سد انحرافی کمال خان از سوی آمریکایی ها طراحی شد. سدی در ۱۸کیلومتری جنوب شهر زرنج از ولایت نیمروز افغانستان که با سیستان ایران همسایه است. ساخت سد از حدود یک دهه پیش شروع و هزینه آن ۷۸ میلیون دلار تخمین زده شد. سد کمال خان گنجایش ۵۲ میلیون مترمکعب آب دارد.

حدود چهار ماه پیش از سقوط کابل به دست طالبان، سد کمال خان افتتاح شد و اشرف غنی، رئیس جمهوری وقت افغانستان، در مراسمی گفت «آب هیرمند قرن ها از افغانستان خارج می شد ولی اکنون مدیریت آن به دست افغان هاست». او در ادامه تأکید کرد که «از این پس، آب را در مقابل نفت به ایران می دهیم».

بومی های سیستان با افسوس می گویند که در زمان ساخت سد کمال خان بارها دیده اند که کامیون کامیون سیمان از ایران به سمت مرز افغانستان می رفت؛ این ادعا را ابراهیم رحیم پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه ایران، تأیید کرده و به ایسا گفته است که «سیمان ساخت این سد، در زابل تأمین شد به شکلی که کارخانه سیمان سازی تقریبا با این هدف و مشارکت در بازار افغانستان تأسیس شد. از این رو ما خودمان در شکل گیری این فضا بی تأثیر نیستیم».

گودزره: هامون جدید در مرز پاکستان

قصه انحراف آب رودخانه هیرمند با سد کمال خان به پایان نمی رسد و حالا طالبان مسیر آب را به سمت گودزره منحرف کرده است. به تعبیر علیرضا سروری نژاد، دکتری فیزیک خاک و کارشناس آبخیزداری و آبخوانداری، طالبان با این کار به دنبال انتقال هامون از مرز ایران و افغانستان به مرز افغانستان و پاکستان است و در واقع با مرگ هامون هیرمند، گودزره یک هامون جدید در مرز افغانستان و پاکستان خواهد بود.

دریاچه هامون سه لکه آبی بزرگ روی نقشه است که دو لکه آن روی خط مرزی ایران و افغانستان و یک لکه در خاک ایران است. در مسیر طبیعی، هیرمند ابتدا به لکه اول یعنی هامون پوزک و سپس به لکه دوم یعنی هامون صابری می ریخت و در انتها به هامون هیرمند در خاک ایران وارد می شد و در زمان پربآبی هامون، از طریق شیلره رود، به گودزره در افغانستان برمی گشت.

حالا افغانستان با سد کمال خان مانع ورود آب به دریاچه هامون شده و در عوض مسیر آب را مستقیم به گودزره تغییر داده است. دریاچه ای که در نزدیکی مرز افغانستان و پاکستان است.

ادامه در صفحه ۵



از موتور چهار سیلندر خطی ۱۶ سوپاپ انژکتور بهره می برد. بهمن موتور این وانت را با سیستم ترمز جلوی دیسکی و عقب کاسه ای با بهره گیری از تکنولوژی ترمز ABS+ EBD تولید می کند. وانت کارا دارای ایربگ جهت ایمنی راننده و استفاده از سیستم ضدسرقت ایموبلایزر در کنار سیستم تهویه مطبوع، وانتی ایمن و راحت برای راننده و سرنشین آن است.



فروش خارجی در ایران حنصور ندارند، چطور می توان به عرضه محصولات آنها ادامه داد.

اما خروج برندهای کبره ای و اروپایی تنها دلیل ممنوعیت واردات لوازم خانگی به ایران نیست. افزایش تحریم ها از سوی

ترامپ موجب کاهش درآمد های نفتی شد و کشور را با بحران ارزی مواجه کرد. هیئت دولت برای کنترل مخارج ارزی دیگر چاره ای جز جلوگیری از واردات و اتکای بیشتر بر تولیدات داخلی نداشت. به گفته فاضلی نیا، حجم بازار لوازم خانگی چیزی حدود شش میلیارد دلار است؛ با این اوصاف اگر قرار بیود این مقدار نیاز کشور از خارج تأمین نشود، دست کم باید چیزی حدود شش میلیارد دلار صرف واردات لوازم خانگی می شد. این در حالی است که امروز با اتکا بر تولیدات داخلی، ارزشی این صنعت تنها ۱.۲ میلیارد دلار است.

انحصاری در لوازم خانگی نداریم

این روزها بسیاری صنعت لوازم خانگی را با صنعت خودرو مقایسه کرده و از ایجاد انحصار در آن خبر می دهند. این در حالی است که طبق گفته های فاضلی نیا چیزی حدود ۶۰۰ تا ۶۵۰ تولیدکننده در این صنعت مشغول به کار و رقابت هستند. در چنین شرایطی چطور می توان صحبت از انحصار کرد.

او می گوید: نه تنها در صنعت لوازم خانگی انحصار نداریم، بلکه در تولید برخی محصولات با تعداد بالای تولیدکنندگان مواجه هستیم.